

یادداشت:

نقد‌هایی بر مقاله حجاب در ترازوی اخلاق سروش دباغ



سروش دباغ در مقاله «حجاب در ترازوی اخلاق» مدعی شد شناسهٔ خبر: 2771891 - دوشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۴ - ۰۹:۲۰
دین و اندیشه < اندیشمندان
بی‌حجابی نه به لحاظ اخلاقی اشکال دارد و نه مصداق نقض فرمان الهی است، یکی از محققان در متن زیر نقد‌هایی به وی وارد کرده است.

به گزارش **خبرنگار مهر**، سروش دباغ مقاله‌ای با نام «حجاب در ترازوی اخلاق» نوشت که خلاصه مدعایشان این بود که بی‌حجابی نه به لحاظ اخلاقی اشکال دارد و نه مصداق نقض فرمان الهی می‌باشد. این مقاله انتقاداتی را برانگیخت و وی مدتی بعد مقاله دومی در تبیین بیشتر مدعای خود نوشتند با نام «بی‌حجابی یا بی‌عفتی، کدام غیراخلاقی است». سعید سرمدی از محققان و پژوهشگران در نامه‌هایی به وی نقد‌هایی را به وی وارد کرده است که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

بسمه تعالی

جناب آقای سروش دباغ

سلام علیکم

با احترام و آرزوی توفیق و بهره‌مندی هرچه بیشتر از عنایات خداوند سبحان

در بند سوم مقاله «حجاب در ترازوی اخلاق» خود از مقاله آقای محسن کدیور یاد کرده و از ایشان به عنوان فقیه و اسلام‌شناس معاصر یاد کرده‌اید. اینکه ایشان به عنوان یکی از اسلام‌شناسان معاصر می‌باشند، شکی نیست ولی بعید می‌دانم که حتی ایشان، قبول داشته باشد که «فقیه» هستند و به عنوان مصطلح می‌توانند فتوا صادر کنند.

آقای کدیور به اثبات نظر خود پرداخته است. واژگان و تعریف واژگان، تخصص و فن خود را نیاز دارد و نمی‌توان بنا بر سلیقه و خوش‌آیند افراد و زمان و مکان، به تعریف آنها پرداخت.

اگر مقاله‌های ایشان در مورد حجاب را کامل و با دقت مطالعه کرده باشید حتماً متوجه شده‌اید که ایشان در مقاله «حجاب در قرآن» قسمت پوشش متعارف اعضای پنهان بدن می‌نویسد: جلابیب جمع جلباب معنای سه‌گانه دارد: اول. ملحفه (چادر مانند) که تمام بدن را می‌پوشاند و روی دیگر لباس‌ها قرار می‌گیرد. دوم. مقنعه و خمار (روسری) که سر و پا و صورت با علاوه بر آن سینه و بازوان را می‌پوشاند. سوم. پیراهن و لباس گشادی که نیم‌تنه بالایی با همه اندام بدن را دربر می‌گیرد. جلباب از دو ناحیه مبهم است یکی اینکه کدام‌یک از معنی سه‌گانه اراده شده: ملحفه، مقنعه یا پیراهن و دیگر اینکه با آن چه عضوی از بدن قرار است پوشیده شود؟ سر و گردن یا سینه و تمام بدن؟ قدر متیقن از جلباب «پوشاک» است.

به نظر شما چرا باید از سه تعریف یاد شده فوق، فقط تعریف «پوشاک» را انتخاب کرد و بر مبنای سلیقه شخصی، در مورد «حجاب و پوشش زنان»، حکم صادر کرد؟

چهار نقد انجام شده بر مقاله ایشان را به پیوست حضورتان تقدیم می‌دارم.

استفاده از منابع غیرمستند باعث ضعف در استدلال و اشتباه در حکم خواهد شد و زبینه نیست که اندیشمندی چون شما از این‌گونه منابع، استفاده کند و پایه و بنای تحقیق خود را نیز بر این مطالب بنا کند و نتیجه‌گیری نماید.

با تشکر فراوان

سعید سرمدی

بسمه تعالی

جناب آقای سروش دباغ

سلام علیکم

با احترام و آرزوی سلامت و بهروزی

یکی از اصلی‌ترین وظایف یک محقق استفاده از منابع معتبر و مستند می‌باشد و استفاده از منابع غیرمستند می‌تواند سبب خطای در تحقیق شود.

در بند سوم مقاله «حجاب در ترازوی اخلاق» به نسخه الکترونیک پی‌دی‌اف کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» آقای امیر ترکشوند استناد کرده‌اید و با تعبیری چون «تبعات فقهی و تاریخی دراز آهنگ» از آن یاد کرده‌اید.

نمی‌دانم چقدر از این کتاب بیش از هزار صفحه‌ای را خوانده‌اید و چقدر موفق شده‌اید با دقت و تتبع و تأمل در آن توجه کنید. برای آشنایی بیشتر شما با واقعیت این کتاب، نقدی را که بر آن نوشته‌ام حضورتان تقدیم می‌دارم. امیدوارم با مطالعه آن به ماهیت این تحقیق بیش‌تر پی ببرید و اگر فرصت مطالعه تمام این نقد را ندارید با مطالعه فهرست مطالب، حداقل مطالب مورد توجه را مطالعه فرمایید.

از اندیشمندان جوان و خوش‌ذوقی مانند شما بسیار بعید است که به این‌گونه منابع غیرمعتبر و جهت‌دار استناد کنند و اعتبار و وزانت علمی خود را زیر سؤال ببرند.

برای آنکه به گوشه‌ای از تبعات فقهی و تاریخی دراز آهنگ!!! ایشان پی ببرید. تفاوت‌های بسیار آشکار ایشان در حتی فهم دیدگاه ابن‌جنید اسکافی را برای نمونه حضورتان تقدیم می‌دارم. «مستندات ابن‌جنید: ... در میان دانشمندان اسلامی اگر یک عارف یا یک فیلسوف یا یک متکلم و یا حتی یک مفسر قرآن قائل به این رأی بود به این اندازه تعجب‌آور نبود که یک فقیه، آن هم فقیه سرشناسی که حق بنیان‌گزار بودن بر گردن حوزه علمیه دارد، چنین رأیی داشته باشد: واجب نبودن حجاب برای زنان، به جز جلو و عقب‌شان!» (صص ۵-۸۰۴ کتاب آقای ترکشوند)

در حالی که آقای کدیور در مورد دیدگاه ابن‌جنید در مقاله نگاه و پوشش در فتوای فقهای شیعه، بخش دوم: پوشش، فصل نهم: پوشش زن در مقابل مرد نامحرم، «قول دوم: وجوب پوشش تمام بدن الا صورت و کفین می‌نویسد: ... این جنید متوفی ۳۸۱ را با این فتوا می‌توان از قائلین این قول دانست: زن آزاد در برابر مرد نامحرم مجاز نیست منکشف الرأس دیده شود.» و نیز در جمع بندی بخش اول همین مقاله، بند نوزده می‌نویسد: «هیچ‌یک از فقیهان امامیه حتی ابن‌جنید قائل به جواز نگاه به سر و موی زن نامحرم خارج از ضرورت نشده است.» تفاوت این دو برداشت از دیدگاه فقهی ابن‌جنید تفاوت آشکار عرش با فرش و «برهنگی» با «عفاف» است. خوب است در استفاده از منابع معتبر و هم‌چنین در نتیجه‌گیری و جمع‌بندی از این منابع، بیش‌تر دقت فرمایید.

پسندیده بود با ترازوی اخلاقی دیوید راس مطالب صفحات ۷۸۰ تا ۸۵۱ آقای ترکاشوند را نقد اخلاقی می‌نمودید و این‌گونه ارزش قلم را با ذکر تعابیر بلند از این کتاب، پایین نمی‌آوردید. در ارتباط با مقاله شما مطالب فراوان دیگری نیز دارم که به مرور حضورتان تقدیم می‌دارم. اگر بزرگواری کنید و وقتی به بنده برای گفت‌وگوی حضوری بدهید ممنون خواهم شد.

با تشکر فراوان

سعید سمرمدی

بسمه تعالی

جناب آقای سروش دباغ

سلام علیکم

با احترام و آرزوی توفیق و بهروزی

همان‌گونه که در متن قبلی حضورتان تقدیم داشتم یکی از وظایف اصلی هر محقق و پژوهشگر، رعایت امانت در بیان دیدگاه‌های دیگران است.

جناب‌عالی در مقاله حجاب در ترازوی اخلاق، قسمت سوم، حجاب اجباری و حجاب اختیاری از قول آقای عبدالعلی بازرگان آورده‌اید: «عبدالعلی بازرگان قرآن‌پژوه معاصر نیز بر این باور است که حجاب در قرآن لزوماً به معنای پوشاندن موی سر و استفاده از روسری و مقنعه نیست، بلکه متضمن پوشش عرفی و پوشاندن اندام‌های در معرض تحریک دیگران به وسیله پارچه بوده است. آنچه برای قرآن محوریت دارد، حفظ حریم در مناسبات و روابط میان زن و مرد و پوشاندن زینت‌هاست که لزوماً شامل موی سر و گردن نمی‌شود.»

از متن استفاده شده از آقای عبدالعلی بازرگان نیز به خوبی آشکار است که ایشان دیدگاهی فراتر از دیدگاه جناب‌عالی دارد و آنچه ذکر کرده‌اند که «آنچه برای قرآن محوریت دارد حفظ حریم در مناسبات و روابط میان زن و مرد و پوشاندن زینت‌هاست که لزوماً شامل موی سر و گردن نمی‌شود.» یعنی به اعتبار دیگر علاوه بر موی سر و گردن باید در مناسبات و روابط میان زن و مرد حریم‌ها رعایت و زینت‌ها پوشانیده شود.

در حالی که شما با استناد به نظر ایشان نوشته‌اید که «آقای بازرگان بر این باور است که حجاب در قرآن به معنای پوشاندن موی سر و استفاده از روسری و مقنعه نیست.»

از سوی دیگر بنده با ارسال متن شما برای آقای بازرگان، از ایشان سؤال کردم که پاسخ ایشان این است: مطابق آیه ۳۱ سوره مبارکه نساء^[۱] پوشاندن جیوب که شامل گردن و سینه می‌شود واجب است در مورد پوشش موی سر از آنجایی که زنان و مردان در جغرافیای عربستان روزگار گذشته به دلیل آفتاب سوزان و گرد و خاک هوا، پوشش سر داشتند ذکر زانندی بوده است که چنین توصیه‌ای بشود. در روزگار ما به گمان من این امر بستگی به مکان و محیط‌های مختلف و تشخیص کارشناسان جامعه از تحریک‌کنندگی آن داشته و باید مورد اجتهاد قرار گیرد.» متن سؤال و جواب به پیوست حضورتان تقدیم می‌شود.

استفاده گزینشی از دیدگاه بزرگان و پژوهش‌گران دیگر برای اثبات نظریه‌های فردی و شخصی، در تحقیق و پژوهش جایگاهی ندارد و تحقیق را به سوی ناصحیحی هدایت می‌کند.

باتشکر فراوان

سعید سمرمدی

بسمه تعالی

جناب آقای سروش دباغ

سلام علیکم

با احترام و آرزوی توفیق و بهروزی

یکی از وظایف اصلی یک محقق و پژوهش‌گر، رعایت امانت و بیان دقیق و صحیح دیدگاه‌ها، نظریه‌ها، فتواها، نوآوری‌ها و... افرادی است که در مقاله خود به آنها استناد کرده و برای اثبات مطالب خود، از آنها استفاده می‌کند.

در مقاله «حجاب در ترازوی اخلاق» در قسمت «۳. حجاب اجباری و حجاب اختیاری» مطلبی را از قول مرحوم احمد قابل در مورد پوشش زنان مسلمان آورده‌اید که نه‌تنها بیانگر دیدگاه‌های ایشان در این ارتباط نمی‌باشد بلکه نوعی تحریف دیدگاه‌های ایشان می‌باشد. شما با حذف مواردی که مرحوم احمد قابل نقطه‌نظر تخصصی خود در مورد پوشش را بیان می‌کند عملاً نظر ایشان را تحریف بلکه قلب کرده‌اید.

مرحوم قابل در همان مقاله مورد اشاره شما می‌گوید: «البته مقتضای جمع عرفی بین دلیل وجوب و دلایل عدم وجوب، تصرف در مدلول آنهاست. اگر به این قاعده عمل شود نتیجه آیات و روایات نیز موید عدم وجوب پوشش سر و گردن می‌شود و تنها «استحباب» را ثابت می‌کند. با توجه به مطالب یاد شده، بنده مبتنی بر دلایل علمی، پوشش بدن را لازم می‌شمارم ولی پوشش سر و گردن را مستحب شرعی می‌دانم... به گمان من مقتضای جمع دلّالی و ضرورت اعمال آن در این مسئله، نتیجه‌ای جز پذیرفتن حکم استحباب پوشش سر و گردن را در پی نخواهد داشت.»

در حالی که شما متأسفانه در جمع‌بندی‌ای که قبل از بیان مطالب مرحوم قابل آورده‌اید، نوشته‌اید که «مطابق با رأی ایشان آنچه از کل آیات قرآن و روایات درباره مسئله حجاب مستفاد می‌شود؛ دلالت بر وجوب ندارد و نمی‌توان استنباط کرد که وظیفه شرعی یک زن متشرعه پوشاندن موی سر و گردن است. یقیناً تصدیق می‌نمایید که این استنباط غیردقیق شما از متن

مرحوم قابل است وگرنه ایشان به صراحت گفته‌اند که پوشش سر و گردن را مستحب شرعی می‌دانند.

راستی اگر این مقاله را به مرحوم احمد قابل تقدیم نکرده بودید و در وصف ایشان آن تعابیر بلند را به کار نگرفته بودید، چگونه با دیدگاه‌های او برخورد می‌کردید؟ وقتی با فردی که این همه ارزش و احترام برای او قائل هستید این‌گونه به تحریف و قلب اعتقادات او می‌پردازید، آیا به خواننده حق نمی‌دهید که فکر کند با افکار دیگران چگونه برخورد کرده‌اید؟

باتشکر فراوان

سعید سرمدی

بسمه‌تعالی

جناب آقای دکتر سروش دباغ

سلام علیکم

با احترام و آرزوی موفقیت و بهروزی

در بند سوم مقاله «حجاب در ترازوی اخلاق» از مرحوم احمد قابل به عنوان شاگرد مرحوم آیت‌الله منتظری یاد کرده و اجازه اجتهاد آن مرحوم را مستند به آیت‌الله منتظری دانسته‌اید.

تمام تأکید شما برای معرفی مرحوم احمد قابل و بیان شأن و جایگاه علمی او، شاگردی آیت‌الله منتظری و داشتن اجازه اجتهاد از ایشان می‌باشد.

خوب است دیدگاه‌های آیت‌الله منتظری در مورد حجاب را یک بار مطالعه بفرمایید تا متوجه شوید که حداقل میان دیدگاه استاد و شاگرد، تفاوت‌های بسیار جدی و روشنی وجود دارد و نمی‌توان با استفاده از شأن و مقام آیت‌الله منتظری، این‌گونه تداعی نمود که دیدگاه مرحوم قابل مشابه با دیدگاه استاد خود می‌باشد.

اخلاق حکم می‌کند که حداقل اشاره می‌کردید که مرحوم احمد قابل با وجود شاگردی آیت‌الله منتظری و داشتن اجازه‌نامه اجتهاد از ایشان، برخلاف نظر استاد خود، معتقد است که «پوشش سر و گردن مستحب شرعی می‌باشد»

البته متأسفانه شما این دیدگاه مرحوم قابل را در مقاله خود نیاورده و با تحریف آشکار و قلب واقعیت از قول مرحوم قابل آورده‌اید: «نمی‌توان استنباط کرد که وظیفه شرعی یک زن متشرعه پوشاندن موی سر و گردن است.»

حضرت آیت‌الله منتظری(ره) در رساله خود آورده است: مسأله ۲۵۵۸. اصل لزوم حجاب برای زن از ضروریات است. پس زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط آن است از ضروریات نیست، که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که ممکن است به قصد لذت نگاه کند بپوشاند، لکن پوشاندن صورت و دست‌ها تا مچ اگر به قصد نشان دادن به مردها و لذت بردن آنها نباشد لازم نیست، هر چند خوب است، ولی بنا بر احتیاط قدم‌های خود را بپوشاند و بنا بر احتیاط پوشش زن‌ها به شکلی باشد که برجستگی‌های بدن آنان نیز نمایان نباشد.

و یا در مسأله ۲۵۶۴ می‌نویسد: ظاهر کردن هر آنچه در نظر عرف، زینت و آرایش برای زن محسوب می‌شود در برابر مرد نامحرم جایز نیست.

تصدیق می‌فرمایید که در مقاله علمی، باید استدلال‌ها و نتیجه‌گیری‌ها، حرف بزنند نه شاگردی افراد و داشتن اجازه‌نامه اجتهاد. «ابناء دلیل باید بود و نه تسلیم شخصیت‌ها».

باتشکر فراوان

سعید سرمدی

(۱) منظور سوره نور می‌باشد که اشتبهاً نساء ذکر شده است.

امانت‌داری و اخلاق‌مداری

استفاده از این خبر فقط با ذکر منبع "خبرگزاری مهر" مجاز است.